

حمایت از اماکن عبادی در مخنمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و حقوق بین الملل

غلامعلی قاسمی^۱

چکیده

حمایت از اماکن عبادی ذیل عنوان اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین الملل بشردوستانه لحاظ شده است. این حمایت شامل منع حمله و تخریب، ممنوعیت بکارگیری در جهت اهداف نظامی و منع اقدامات تلافی جویانه نسبت به این اماکن، استنظام حمایتی حقوق بین الملل در این حوزه بوده که با وجود اسناد بین المللی متعدد و رویه‌ی برخی از دادگاه‌های کیفری بین المللی تکامل یافته است. از سوی دیگر، قرآن کریم با نام بردن از اماکن عبادی ادیان توحیدی، مصونیت و ممنوعیت تعرض به این اماکن را ابلاغ کرده و سنت نبوی آن را متبلور نموده است. سیره مسلمانان نیز بر همین مبنا شکل گرفته است. در محورهای حمایت و نوع آن، اصل ضرورت نظامی به عنوان استثنای حمایت، اعمال مصونیت و حمایت بر اساس قراردادهای و تعهد به مفاد آنها در این زمینه از نقاط مشترک در دو نظام حقوقی است. با این حال، طرح مستقل مکان‌های عبادت به عنوان موضوع حمایت، اختصاص حمایت به اماکن عبادی ادیان توحیدی و نه هر مکانی، اعطای صبغه‌ی اعتقادی و معنوی به موضوع حمایت و احترام اماکن عبادی از ویژگی‌های رویکرد اسلامی در این موضوع است.

واژگان کلیدی: اماکن عبادی، حمایت، حقوق بین الملل، اسلام، اموال فرهنگی.

۱ - استادیار گروه حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم.



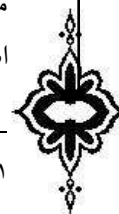
مقدمه

صلوات بر پیشوایان
عقیده و حقوق اسلام و غرب

عبادتگاه‌ها از قبیل مساجد، کلیساها و دیگر مکان‌های مقدس مذهبی چون زیارتگاه‌ها و قبور بزرگان دینی، بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی ملت‌ها محسوب می‌شود. این اماکن نزد پیروان ادیان الهی دارای ارزش فوق‌العاده هستند و در طول تاریخ مورد احترام و توجه آنان واقع شده‌اند، اهمیت دینی، تاریخی و فرهنگی این اماکن باعث شده است که علاوه بر زمان صلح، به هنگام جنگ نیز توصیه اکید بر عدم تعرض به این اماکن از سوی ادیان الهی صورت گیرد. از سوی دیگر، مفهوم «حقوق بشردوستانه» به منزله‌ی شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل برای حمایت از اشخاص، اموال و اماکن غیر نظامی در دوره‌ی مخاصمات مسلحانه^۱ شکل گرفته است. این شاخه از علم حقوق نیز برای حمایت از اماکن فرهنگی و عبادی در زمان جنگ و مخاصمات مسلحانه، مقرراتی در قالب اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا پیش‌بینی نموده است و دولت‌های مختلف صرف‌نظر از دیدگاه‌های مذهبی خود، با پذیرش این اسناد، تعهداتی را درباره‌ی حمایت از این اماکن پذیرفته‌اند.

در این مقاله، موضوع حمایت از اماکن عبادی در زمان مخاصمات مسلحانه از نقطه نظر هر دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی و تحلیل می‌شود. در شرایط فعلی، حجم وسیع تخریب و انهدام مساجد، کلیساها، زیارتگاه‌ها و قبور بزرگان دینی که در مخاصمات مسلحانه در کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، و تأثیر توهین و تعرض مذکور به اماکن عبادی و مقدس در بروز دشمنی و فتنه‌گری بین فرقه‌ها و طوایف مختلف ادیان الهی، اهمیت و ضرورت بحث از این موضوع را مدلل می‌گرداند. از این‌رو، مطالعات علمی و پژوهشی، روشنگری، اطلاع‌رسانی لازم و تبیین قواعد حقوقی و معارف اسلامی و دینی مورد قبول قاطبه‌ی مسلمانان و پیروان ادیان توحیدی در کنار مقررات

۱. مخاصمات مسلحانه (Armed Conflict) واژه‌ای است اعم از جنگ بین دولت‌ها و درگیری‌های مسلحانه دیگر، «این واژه عام، درگیری میان گروه‌های زیر را شامل می‌شود: الف. بین دو یا چند دولت؛ ب. بین یک دولت و نهادی غیر از دولت؛ ج. بین دولت و گروه مخالف دولت؛ د. میان دو گروه قومی در درون یک کشور (وری، ۱۳۸۳: ۴۲).





بشردوستانه‌ی بین‌المللی، گامی هر چند کوچک برای مبارزه با این جریان تخریبی و ویرانگر علیه اماکن مذهبی و عبادی؛ بلکه علیه اساس دین و فرهنگ ملت‌هاست.

در این نوشتار، نخست در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، نوع حمایت از اماکن عبادی، تدابیر و تضمین‌های ناظر بر حمایت از این اماکن، و تعهدات دولت‌ها و اشخاص در این قلمرو بررسی و تبیین خواهد شد. سپس موضوع از دیدگاه منابع فقه اسلامی یعنی قرآن و سنت، نیز بررسی شده و در آراء فقهای مسلمان دنبال می‌گردد، تا موضع شریعت اسلامی در این خصوص تبیین گشته و نقاط احتمالی افتراق یا اشتراک مواضع در چارچوب این دو نظام حقوقی مشخص گردد.

۱. حمایت از اماکن عبادی در حقوق بین‌الملل

در اسناد بین‌المللی، اماکن عبادی، نه به طور مستقل، که ذیل عنوان «اموال فرهنگی» مطرح نظر قرار گرفته است. از لحاظ اسناد بین‌المللی اولین کاربرد اصطلاح اموال فرهنگی را می‌توان در معاهده ۱۹۵۴ حفاظت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه یافت (Sheng, 2010:58). کنوانسیون اموال فرهنگی^۱ به عنوان مهم‌ترین سند حقوق بین‌الملل در حوزه‌ی حمایت از اموال و اماکن فرهنگی در ماده (۱) اموال فرهنگی را شامل آثار معماری، هنری، یا تاریخی اعم از مذهبی یا غیر مذهبی، مناظر باستانی و مجموعه‌ها معرفی نموده است؛ ضمن اینکه حمایت از اموال مزبور را نیز منوط به این کرده که برای میراث فرهنگی ملت‌ها واجد اهمیت باشند، در نتیجه هر مال یا مکان مذهبی و عبادی مانند مساجد یا کلیساها به طور عادی مورد حمایت نیستند، مگر اینکه اهمیت تاریخی و تعلق به میراث بشری داشته باشند. با این حال پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ در ماده (۵۳) مکان‌های عبادت^۲ را در کنار اموال فرهنگی برای حمایت ذکر کرده است؛ اگر چه این سند نیز آن را مشروط به وابستگی آن‌ها به میراث فرهنگی و معنوی ملت‌ها نموده است. صفت فرهنگ، آثار تاریخی و هنری را شامل می‌شود و وصف معنوی به مکان‌های عبادت اشاره دارد.^۳ ماده

۱. Hague convention for the Protection of cultural property in the event of Armed conflict of 14may 1954.

۲. Places of worship.

۳. ICRC, Commentary on the Additional protocols, 1987: 646.





(۱۶) پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ نیز مکان‌های عبادت را در کنار اشیاء فرهنگی موضوع حمایت دانسته است.

به هر حال، اماکن عبادی به منزله‌ی مصداقی از اموال فرهنگی (غیر منقول) موضوع حمایت هستند. مطابق کنوانسیون اموال فرهنگی این حمایت‌ها در دو بخش عام و خاص سازمان‌دهی شده است که در ادامه بیان می‌شود.

۱-۱. حمایت عام

مطابق بند یک ماده (۴) کنوانسیون اموال فرهنگی، «تمام اموال فرهنگی باید مورد حمایت عام قرار گیرند و نیاز به ثبت خاص ندارند...». بنابراین تمام اشیایی که به عنوان اموال فرهنگی در این کنوانسیون تعریف شده‌اند بدون نیاز به امر دیگری خود به خود مورد حمایت عام قرار می‌گیرند. حمایت، به عنوان یک مفهوم تعریف نشده است؛ لکن با بررسی کنوانسیون اموال فرهنگی و دیگر اسناد بین‌المللی ذی‌ربط، حمایت در قالب اعمال و اقدامات زیر مصداق دارد.

۱-۱-۱. مصونیت از هر گونه حمله و ایراد خسارت

مهم‌ترین بخش حمایت، در مصونیت اماکن مورد بحث و منع هر گونه تخریب، انهدام و ایراد خسارت به آن‌هاست. بند الف ماده (۵۳) پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو نیز همین مضمون را تکرار کرده، و بر ممنوعیت «اعمال خصمانه علیه بناهای یاد بود تاریخی، آثار هنری یا مکان‌های عبادت که میراث فرهنگی ملت‌ها را تشکیل می‌دهند» تصریح دارد.

بنابراین طرف‌های مخاصمه و جنگ، باید از هر گونه عمل خصمانه که منجر به ایراد خسارت به مکان‌های عبادت می‌شود خودداری ورزند.

۱-۱-۲. منع به کارگیری مکان‌های عبادت به عنوان مرکز نظامی یا اهداف دیگر غیر از

هدف اصلی

طرف‌های مخاصمه‌ی مسلحانه نه تنها از هر گونه حمله و تعرض به اماکن عبادی منع شده‌اند، بلکه نباید این مکان‌ها را برای مقر نظامی به کار گیرند. هم‌چنین استفاده از اموال فرهنگی، از جمله مکان‌های عبادت، محیط پیرامون آن‌ها و یا وسایل مورد استفاده برای حمایت از آن‌ها، در جهت تحقق اهدافی جز آنچه اساساً هدف آن‌هاست، به نحوی که آن‌ها را در معرض خطر تخریب یا ایراد خسارت قرار دهد ممنوع است [بند یک ماده (۴)].





«با این وصف نه فقط استفاده‌ی مستقیم از اموال مورد حمایت در جهت اهداف نظامی ممنوع است، که استفاده غیر مستقیم از آن‌ها نیز غیرقانونی به شمار می‌آید. فضای اطراف اموال مورد حمایت و وسایل مورد استفاده برای حمایت از آن‌ها نباید برای مقاصدی به کار رود که احتمالاً آن‌ها را در معرض تخریب یا آسیب قرار می‌دهد. برای نمونه زیرزمین امن یک موزه نباید به عنوان محل نگهداری مهمات به کار گرفته شود یا برج یک کلیسا نباید به عنوان برج دیده‌بانی ارتش مورد استفاده قرار گیرد» (فلک، ۱۳۸۷: ۵۱۰).

بند ب ماده (۵۳) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ نیز استفاده از این اموال را برای پشتیبانی عملیات نظامی ممنوع کرده است. در صورت تردید نسبت به این که اموالی مانند مکان‌های عبادت که به طور معمول به مقاصد غیر نظامی اختصاص دارند به نحوی مورد استفاده قرار می‌گیرند که نقش مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند، فرض بر آن خواهد بود که چنین نقشی ندارند (بند سوم ماده (۵) پروتکل اول الحاقی).

۱-۳. منع در نظر گرفتن اماکن عبادی به عنوان اهداف تلافی جویانه

بند ج ماده (۵۳) پروتکل اول الحاقی هر گونه در نظر گرفتن اموال فرهنگی یا مکان‌های عبادت را به عنوان هدف اعمال تلافی جویانه ممنوع کرده است؛ یعنی در صورت اقدام یک طرف مخاصمه به اعمال خصمانه از جمله حمله به مکان‌های عبادت، انجام مقابله به مثل و اقدام تلافی جویانه علیه اماکن عبادی و فرهنگی در قلمرو دشمن ممنوع است. البته این ممنوعیت به طور کلی برای حمایت از همه‌ی اموال غیر نظامی در ماده (۵۳) این پروتکل نیز تصریح شده است.

۱-۴. منع هر گونه دزدی، چپاول و یا تخریب اموال و اماکن

براساس بند سوم ماده (۴) کنوانسیون اموال فرهنگی، هر گونه عمل دزدی، چپاول، دستبرد، ضبط یا تخریبی که مستقیماً متوجه اموال فرهنگی باشد ممنوع است. دزدی و چپاول و مانند آن، ناظر به اموال منقول است که ممکن است در اماکن عبادی یا هنری و تاریخی واقع باشد و تخریب متوجه اموال غیر منقول فرهنگی مانند مساجد، کلیساها و یا متوجه به اموال منقول در آن‌ها است.

این اعمال زمانی رخ می‌دهد که قدرت متخاصم در مناطق تحت صلاحیت یا سرزمین مورد اشغال، اشیایی را توقیف کرده است یا اماکن تاریخی و عبادی در قلمرو کنترل آن قرار دارند. در این صورت نباید این اتفاقات نسبت به اموال منقول فرهنگی رخ دهد برای





نمونه سرقت و قاچاق سازمان یافته‌ی اشیاء تاریخی در مناطق تحت کنترل قدرت‌های متخاصم ممنوع است، یا این که تخریب اماکن عبادی و تاریخی مانند مسجد، کلیسا و موزه، در قلمرو صلاحیت و کنترل طرف متخاصم نباید رخ دهد و منع شده است. در این وضعیت، مسأله‌ی حمله به این اماکن به عنوان یک هدف نظامی نیست، بلکه جنبه‌ی پاک سازی قومی، مذهبی و تخریب اماکن عبادی و تاریخی در مناطق تحت اشغال و کنترل به عنوان اقدامی تلافی جویانه است.

۲-۱. حمایت خاص

دولت‌های عضو کنوانسیون اموال فرهنگی می‌توانند تعداد محدودی از اموال فرهنگی را مورد حمایت خاص قرار دهند [ماده (۹)]. مطابق بند نخست از ماده (۸) کنوانسیون اموال فرهنگی حمایت خاص فقط در مورد اموال فرهنگی زیر قابل تصور است:

- پناهگاه‌های اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه،
- مراکز در بر دارنده‌ی آثار تاریخی،

- اموال فرهنگی غیر منقولی که اهمیت بسیار زیادی دارند. (فلک، ۱۳۸۷: ۵۱۶).

مال فرهنگی غیر منقول واجد اهمیت زیاد، می‌تواند مسجد یا کلیسای تاریخی و دارای اهمیت ملی و فرهنگی بالا باشد، برای نمونه مسجد بزرگ حلب^۱ از آثار میراث فرهنگی جهان و ثبت شده نزد یونسکو است که متأسفانه در جریان وقایع سوریه، تخریب شده است.

حمایت خاص باید مشمول شرایط ذیل باشد:

- این اموال باید به ثبت بین المللی اموال فرهنگی مورد حمایت خاص نزد یونسکو برسند [بند ششم ماده (۸) کنوانسیون اموال فرهنگی].
- این اموال باید در فاصله‌ی مناسبی از یک مرکز صنعتی مهم یا هر هدف نظامی با اهمیت که حساس باشد واقع شوند [بند اول ماده (۸) کنوانسیون اموال فرهنگی]. برای مثال، این اموال از مراکز عمده صنعتی، بنادر یا فرودگاه‌ها باید به قدر کافی دور باشند.
- مطابق بند نخست ماده (۸) کنوانسیون، این اموال نباید برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار گیرند (قاسمی و باقرزاده، ۱۳۹۲: ۲۴).



۱. Greet Mosque of Aleppo.



علاوه بر حمایت خاص از اموال فرهنگی، نوعی «حمایت فزاینده یا تقویت شده»^۱ در پروتکل دوم ۱۹۹۹ الحاقی به کنوانسیون اموال فرهنگی^۲ نیز پیش‌بینی شده است. اموال مورد حمایت فزاینده، علاوه بر این که برخی شرایط ماهوی چون تعلق به اموال فرهنگی بشریت یا عدم به کارگیری برای مقاصد نظامی را دارا باشند، باید مطابق پروتکل ۱۹۹۹ نیز تشریفات اداری و اجرایی مفصلی در مورد آن‌ها رعایت شود که مجال بحث از آن در این مقاله نیست.^۳

۳-۱. جرم‌انگاری اقدامات تخریبی علیه اماکن عبادی

کنوانسیون اموال فرهنگی، هیچ‌یک از نقض‌های مربوط به حمایت از اموال فرهنگی را به عنوان نقض فاحشی که مستلزم اجرای کیفری باشد شناسایی نکرده است. فقط در ماده (۲۸) آن مقرر شده که باید در قوانین داخلی تمام اقدامات لازم برای تعقیب و مجازات کیفری یا انضباطی کسانی که مرتکب نقض کنوانسیون شده یا دستور نقض آن را می‌دهند به عمل آید (فلک، ۱۳۸۷: ۱۵۳۳).

با این حال، نقض قواعد بین‌المللی حمایت‌کننده از اماکن فرهنگی و عبادی در پروتکل اول ۱۹۷۷ و اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی، جرم‌انگاری شده است که موضوع را در پرتو این اسناد بررسی می‌کنیم.

۱-۳-۱. توصیف اقدامات تخریبی به عنوان جنایت جنگی

بند پنجم ماده (۸۵) پروتکل اول، نقض شدید کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل را در حکم جنایات جنگی تعریف کرده است. در پرتو بند چهارم همین ماده، هدف حمله قرار دادن مکان‌های عبادت، نقض شدید پروتکل مزبور تلقی می‌شود. طبق متن (د) بند چهارم ماده (۸۵)، حمله به بناهای تاریخی کاملاً شناخته‌شده، آثار هنری و مکان‌های عبادت که

۱. Enhanced Protection.

۲. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ اموال فرهنگی، در سال ۱۹۹۹ منعقد شده و در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در تاریخ ۱۳۸۰/۴/۵ آن را تصویب نموده است.

۳. برای آگاهی بیشتر در مورد حمایت فزاینده از اموال فرهنگی، نک. به: ضیایی بیگدلی، محمدرضا، تعهد بین‌المللی دولت‌ها در حمایت از اموال فرهنگی، در مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل، ۱۳۹۱: ۴۹-۵۰.





در حکم میراث فرهنگی و معنوی ملت‌ها بوده و برای آن ترتیبات ویژه‌ای^۱ در نظر گرفته شده است، به گونه‌ای که موجب ویرانی گسترده در آن‌ها شود، نقض شدید پروتکل خواهد بود. البته مطابق همین بند، این حکم مشروط بر این است که مکان‌های عبادت برای اهداف نظامی به کار گرفته نشود و در مجاورت مستقیم هدف‌های نظامی واقع نشده باشد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز در ماده (۸) هدایت عمده حمله بر ضد ساختمان‌هایی را که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و مشروط بر اینکه آن اهداف نظامی نباشند، جنایت جنگی محسوب نموده است. ماده (د) ۳، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز مقرر داشته است که «تخریب، غارت و ایراد خسارت عمده به مؤسسات مذهبی و آموزشی، بناهای یاد بود و آثار هنری و علمی، از جمله جنایات جنگی محسوب می‌شود». مکان‌های عبادت از مصادیق مؤسسات مذهبی و حتی آموزشی می‌تواند باشد.

مقررات پروتکل اول الحاقی در باب جنایت جنگی، ناظر بر اقدامات تخریبی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌باشد، و نسبت به مخاصمات مسلحانه داخلی ساکت است. کنوانسیون اموال فرهنگی و پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون‌های ژنو نیز فاقد مقرره‌ای هستند که نقض قواعد حمایتی از اموال و اماکن فرهنگی و عبادی را در مخاصمات داخلی جرم‌انگاری نماید.

«چنین به نظر می‌رسد همان نگرش سنتی که موجب تفکیک بین نظام حقوقی مخاصمات بین‌المللی و مخاصمات داخلی شد، و مقررات عهدنامه‌ای محدود و محدودی را برای مخاصمات داخلی در نظر گرفت، مانع از بسط رژیم تعقیب و مجازات مقرر برای مخاصمات بین‌المللی به این مخاصمات شد (ممتاز و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

با این حال، وقایع بحران یوگسلاوی سابق و حملات گسترده به اموال و اماکن فرهنگی و عبادی و دیگر موارد نقض قواعد بشردوستانه در این نزاع که عمدتاً وصف داخلی داشت، موجب گردید تا بار دیگر توجه افکار عمومی جهانی و نهادهای بین‌المللی به تبعات منفی این رویکرد جلب گردد و زمینه را برای بسط مفهوم «جنایت جنگی»، به موارد تخلف شدید از حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی فراهم کند.



۱. به طور مثال، در چارچوب سازمان‌های ذی‌صلاح بین‌المللی [مانند ثبت در دفتر بین‌المللی یونسکو] حمایت خاص در نظر گرفته شده باشد.



دیوان کیفری ویژه یوگسلاوی سابق نیز در رویه خود، مقررہ اساسنامہ خود یعنی بند (د) مادہ (۳) در باب جنایت جنگی را در چند قضیہی داخلی اعمال کرد. در پروندہ تادیچ^۱، شعبہ تجدیدنظر دادگاہ کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، در مقابل ادعای متہم مبنی بر اینکہ تخلفات از حقوق مخاصمات داخلی، مسؤولیت کیفری در پی ندارد، بہ استدلال دادگاہ نورنبرگ تکیہ کردہ و اعلام کرد اگر تخلفات مورد بحث در این پروندہ را با معیارهای یاد شدہ بسنجیم، تردیدی نمی‌کنیم کہ این تخلفات مسؤولیت کیفری بہ دنبال می‌آورد، خواه در مخاصمہ مسلحانہ داخلی ارتکاب یافته باشند و خواه در مخاصمات بین‌المللی (ممتاز و دیگران، ۱۳۸۴: ۹۳). معیارهای مورد نظر این دیوان، بہ مفہوم اصل قانونی بودن جرم در سطح بین‌المللی بر می‌گردد کہ لزوماً نباید جرایم و مجازات‌ها تعریف و تعیین شود و ہمین کہ تخلف از تعہدات بین‌المللی جرم‌انگاری شود کافی است، و این وابستہ بہ تعیین تعہداتی است کہ در مادہ (۳) مشترک کنوانسیون‌ها و پروتکل دوم الحاقی و دیگر اسناد انجام شدہ است کہ عدم رعایت آن‌ها مسؤولیت کیفری بہ دنبال دارد. در اینجاست کہ دیوان کیفری یوگسلاوی سابق از حقوق عرفی نیز استمداد می‌جوید و در قضیہی تادیچ در سال ۱۹۹۵ شمول اصل بنیادی حفظ و حراست از اموال فرهنگی را نسبت بہ مخاصمات مسلحانہ غیر بین‌المللی بہ موجب حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی می‌کند. در این چارچوب است کہ دادگاہ یوگسلاوی سابق تاکنون مقررہ خاص بند (د) مادہ (۳) اساسنامہ خود را در مجموعہ‌ای از قضایا کہ مهم‌ترین آن‌ها مربوط بہ حملہ بہ شہر تاریخی دوبروونیک^۲ بودہ اعمال کرد. در این قضیہ دادگاہ فرصت یافت این مطلب را تأیید کند کہ جرم تخریب یا ایراد خسارت عمدی بہ مؤسساتی کہ بہ اہداف مذہبی، خیرہ‌ای، آموزشی، هنری و علمی اختصاص دادہ شدہ‌اند، و تخریب بناهای یاد بود تاریخی و آثار هنری و علمی، نقض ارزش‌هایی است کہ مورد حمایت ویژه جامعہی بین‌المللی است (فرانکیونی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)، و این رویکرد همان تکیہ بر حقوق عرفی بین‌المللی در قضیہ مورد بحث است.

برای درک شکل‌گیری سریع حقوق عرفی در خصوص جرم‌انگاری نقض مادہ (۳) مشترک کنوانسیون‌ها و پروتکل دوم الحاقی، تحت عنوان نقض شدید حقوق بشردوستانہ و

۱. Tadic Case.

۲. Dobrovnik.





در نتیجه «جنایت جنگی»، باید به حوادث جنگ بالکان در یوگسلاوی سابق و روندا و دیگر نقاط جهان از یک سو و رویه‌ی شورای امنیت^۱ و دولت‌ها از سوی دیگر توجه کرد، امری که باعث شد در ماده (۸) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تخلفات عمده از حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی به عنوان جنایت جنگی جرم‌انگاری شود، و در نتیجه تخلفات عمده در باب اموال غیر نظامی از جمله اموال فرهنگی و مکان‌های عبادت به مثابه جنایت جنگی، تعریف گردید.

در این میان، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در شناسایی و تبیین نقض عمده قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی به عنوان جنایت جنگی به طور خاص و حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی به طور کلی، نقش مهمی داشته است.^۲ دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه‌ی تادیچ، عملکرد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را یک عنصر آشکارا اساسی در پیدایش یا تبلور [شفاف‌سازی] قواعد عرفی دانسته است.^۳

۱-۲-۳. توصیف اقدامات تخریبی علیه اماکن فرهنگی و عبادی به عنوان جنایت علیه

بشریت

دیوان کیفری برای یوگسلاوی سابق، در رویه‌ی خود و مستند به اساسنامه، برخی اقدامات تخریبی علیه اموال فرهنگی و عبادی را به مثابه‌ی «جنایت علیه بشریت» شناخته است.

بند (ح) ماده (۵) اساسنامه دیوان مزبور مقرر می‌دارد «این دادگاه بین‌المللی در جهت تعقیب و تحت پیگرد قرار دادن اشخاص مشمول جرایم زیر که در زمان مخاصمات

۱. برای آگاهی بیشتر در مورد رویه‌ی شورای امنیت و نقش آن در شکل‌گیری عرف بین‌المللی راجع به جرم‌انگاری نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی، ر.ک. ممتاز و دیگران، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات داخلی، ۱۳۸۴: ۲۰۶ الی ۲۱۴.

۲. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۵ گروه کاری ویژه‌ای متشکل از حقوق‌دانان و متخصصان کشورهای مختلف برای شناسایی و تدوین قواعد عرفی حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی تشکیل داد و گزارش آن در سال ۲۰۰۵ منتشر شد. برای آشنایی با نحوه‌ی فعالیت این گروه، متن قواعد عرفی تنظیم شده به همراه گزارش تفسیری آن‌ها ر.ک. هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۷.

۳. این مطلب بخشی از رأی دیوان یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ، با مشخصات زیر است:

Prosecutor V.Tadic, Case, No 160 Licity Appeals Chamber, oct, 2, 1995, Para 109.





مسلحانه و علیه مردم غیر نظامی صورت می گیرند، اختیار دارد....». بند (ح) این ماده، «آزار و اذیت مبتنی بر دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی» را از جمله امور تحت اختیار این دیوان در کنار جنایات دیگری چون «قتل عمد»، «قلع و قمع» و «به بردگی گرفتن» ذکر می کند و مجموع این جنایات، مصادیق جنایات علیه بشریت هستند. بر این اساس، دیوان مزبور، در پاره ای از کیفرخواست^۱ به منظور مطرح کردن جرایم در بر دارنده ی خسارت به اموال فرهنگی به «آزار و اذیت های مبتنی بر دلایل سیاسی، نژادی و یا مذهبی» اشاره می کند (نژندی منش، ۱۳۹۱: ۲۵۹).

همچنین دیوان کیفری ویژه یوگسلاوی سابق در چند پرونده، حمله به ساختمان های مذهبی از جمله مساجد مسلمانان را به مثابه ی آزار و اذیت و در نتیجه از جرایم علیه بشریت تلقی کرد. شعبه بدوی این دیوان در پرونده مومچیلو کراجیشنیک^۲ با تحلیلی از این مسأله در می یابد که تخریب بناهای تاریخی و اماکن مقدس بخشی از یک تعرض گسترده و سازمان یافته علیه جمعیت غیر نظامی مسلمان و کروات بود، بنابراین شعبه در می یابد که تخریب بناهای فرهنگی و اماکن مقدس، مصداق آزار و اذیت، و مشمول عنوان جنایت علیه بشریت محسوب می شود. در مجموع رویه دادگاه بر این است که تخریب نهادهای فرهنگی، بناهای تاریخی و اماکن مقدس می توانند اعمال پایه ای و بنیادین جرم آزار و اذیت به مثابه ی یکی از جنایات علیه بشریت باشند (نژندی منش، ۱۳۹۱: ۲۶۷-۲۶۸).

۴-۱. ضرورت نظامی استثنای حمایت از اماکن عبادی

به موجب اسناد حقوق بشر دوستانه حمایت از اماکن عبادی و فرهنگی در دو مورد ساقط می شود:

۴-۱-۱. به کارگیری اماکن عبادی برای اهداف نظامی

بند نخست ماده (۱۱) کنوانسیون اموال فرهنگی به این مطلب اشاره کرده است. مطابق بند اول ماده (۶) پروتکل دوم الحاقی به این کنوانسیون نیز چنانچه اموال فرهنگی به موجب کارکرد خود به یک هدف نظامی متمایل شده باشند، ممنوعیت حمله به آنها ساقط می شود. برای نمونه این اماکن، برای نقل و انتقال قوا یا تجهیزات نظامی استفاده شود؛ یا

۱. The Prosecutor V. DuskoTadic (Indictment), No. It – 94 – 1, Count 1.(ICTY 1999).

۲. MomciloKrajisnik.





این که، در این اماکن، عملیاتی انجام شود که با اقدامات نظامی رابطه‌ی مستقیم داشته یا محل تولید مصالح جنگی قرار گیرد (فلک، ۱۳۸۷: ۵۲۰).

۱-۴-۲. در صورت ضرورت نظامی اجتناب‌ناپذیر

بند دوم ماده (۱۱) کنوانسیون اموال فرهنگی و بند دوم ماده (۶) پروتکل دوم الحاقی، به امکان اعراض از مصونیت و حمایت از اموال فرهنگی که اماکن عبادی جزئی از آن‌هاست اشاره دارند. مطابق ماده (۶) پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ اقدام خصمانه بر ضد اموال فرهنگی، از جمله اماکن عبادی، مجاز نیست مگر آنکه عملاً هیچ گزینه‌ی ممکن دیگری برای دست‌یابی به مزیت نظامی مشابه حاصل از چنین اقدامی موجود نباشد. آن‌گونه که کنوانسیون ۱۹۵۴ مقرر داشته، تصمیم استناد به ضرورت نظامی آمره [اجتناب‌ناپذیر] نیز دیگر به اختیار فرمانده حاضر در محل نیست، بلکه بر عهده‌ی افسری در حد سرگرد و بالاتر است؛ مگر اینکه موقعیت، چنین فرضی را برای کسب اجازه از او ندهد (ممتاز و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

با این وصف، هم کنوانسیون ۱۹۵۴ و هم پروتکل الحاقی آن، به‌رغم بیان تعهدات متعدد برای حمایت از اموال فرهنگی از جمله اماکن عبادی، امکان عدول از این تعهدات را به خاطر ضرورت نظامی اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند و این در حد خود، می‌تواند مستمسک و بهانه‌ای برای نیروهای نظامی در جهت نقض تعهدات حمایتی دولت‌ها در این زمینه باشد، چه اینکه مفهوم ضرورت نظامی در اسناد مختلف با عبارات متفاوت آمده است و بررسی و تحلیل دقیق این موضوع به نوشته‌ای مستقل نیازمند است.

۲. حمایت از اماکن عبادی در منابع فقه اسلامی

در قسمت دوم این مقاله نگاهی کوتاه به دیدگاه اسلام در خصوص حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه داریم. آثار مکتوب تاریخی و علمی نشان می‌دهد که در سنت اسلامی به منظور کاهش تبعات زیان‌بار جنگ، به آداب و قواعد آن توجه ویژه‌ای شده است. موضوع حمایت از اماکن عبادی را در این چارچوب و با مراجعه به منابع فقه اسلامی دنبال می‌کنیم و از آرای فقهاء در جهت تبیین برخی محدودیت‌ها و احکام مرتبط با موضوع استفاده خواهیم نمود.





۲-۱. قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی فقه اسلامی موضوع احترام و جایگاه ویژه اماکن عبادی و ادیان الهی را در چند آیه مورد توجه قرار داده است که به اختصار مورد بررسی قرار می گیرند.

۲-۱-۱. آیه شریفه (۴۰) سوره مبارکه حج

«الذین اخرجوا من ديارهم بغير حق إلا أن يقولوا ربنا الله و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا و لينصرن الله من ينصره إن الله لقوى عزيز»

ترجمه: همانان که به ناحق از دیارشان بیرون رانده شدند؛ اخراجشان سببی جز این نداشت که می گفتند پروردگار ما خداست. و اگر خدا با حکم جهاد، برخی از مردم را به وسیله ی برخی دیگر دفع نمی کرد، صومعه های راهبان و کلیساهای مسیحیان و معابد یهودیان و مساجد مسلمانان که در آن ها نام خدا بسیار برده می شود ویران گشته بود، و قطعاً خدا کسانی که او را یاری می دهند یاری خواهد کرد، چرا که خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است.

صومعه مانند جوهره خانه ای است که راهبان و عابدان در خارج از شهرها یا در کوه ها برای عبادات بنا می گذارند. بيع جمع یعه و آن کنیسه برای نصاری است یا مطلق عبادت گاه یهود و نصاری. صلوات جمع صلاه و آن عبادتگاه یهود است. و مساجد نیز عبادتگاه مسلمانان. ترتیب آمدن این مکان ها هم به لحاظ درجه ی شرافت و جایگاه عظمت آن ها است که صومعه محل اختصاصی عبادت راهبان است؛ یعه محلی است که عموماً برای عبادات همه ی نصاری ساخته می شد؛ و صلاه برای عموم یهود است؛ و این اماکن دارای شرافت بر سایر مکان ها در برابر تخریب و انهدام هستند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۸۱).

این آیه در مقام تعلیل نسبت به تشریح قتال و جهاد قرار دارد، و حاصلش این است که تشریح قتال به منظور حفظ جامعه ی دینی از شر دشمنان است، زیرا اگر جهاد نباشد، همه ی معابد دینی و شعائر الهی ویران گشته، عبادات و مناسک از میان می رود. و اگر تنها معابد را نام برده با اینکه اگر این دفاع نباشد اصل دین باقی نمی ماند تا چه رسد به معابد آن؟ بدین جهت است که معابد مظاهر دینی و شعائر و نشانه های دینی است که مردم به وسیله آن به یاد دین می افتند و در آن ها نشسته، احکام دینی را می آموزند و صورت دین را در اذهان مردم حفظ می کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۷).

علاوه بر این که معابد و مساجد مظاهر ادیان الهی هستند و هر گونه تخریب و تعرض به آن ها، لطمه به اساس دین است. به نظر برخی مفسران چنانچه نیروی دفاع و بازدارندگی نباشد، آشوب و هرج و





مرج فراگیر می شود و به واسطه ی چپاول و غارت اموال و ریختن خون ها، فساد گسترش یافته و به ویژه به واسطه ی انهدام معابد بین پیروان ادیان فتنه ایجاد می شود، زیرا این معابد هر کدام نشانه ی دینی هر طایفه و گروه هستند، و علامت مشخصه ی پیروان ادیان به حساب می آیند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۳۳۴).

اقدامات اخیر برخی گروه های تکفیری در تخریب و انهدام اماکن عبادی و مذهبی مسلمانان و مسیحیان در سرزمین های اسلامی، همین فتنه انگیزی و ترویج فساد و آشوب را تداعی می نماید. از این رو «اگر افراد با ایمان و غیور دست روی دست بگذارند و تماشاجی فعالیت های ویران گرانه ی طاغوت ها و مستکبران و افراد بی ایمان و ستمگر باشند و آن ها میدان را خالی بینند اثری از معابد و مراکز عبادت الهی نخواهند گذارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۵-۱۱۶).

به هر حال در این آیه شریفه، خداوند حفاظت از اماکن عبادی ادیان الهی و پیشگیری از تخریب و انهدام آن ها را از دلایل تشریع جهاد و آثار آن ذکر نموده است، و به طریق اولی مسلمانانی که برای حراست از معابد مسلمین و پیروان ادیان توحیدی، مأمور به جهاد و جان فشانی هستند از هر گونه تخریب و انهدام این اماکن نیز دفع شده اند؛ و بلکه حرمت و مصونیت این اماکن نزد آنان مسلم است و باین حال، این حکم مطلق نیست و شروط و استثنائاتی دارد که در مباحث آتی به آن اشاره می شود.

۲-۱-۲. آیه شریفه (۱۱۴) سوره مبارکه بقره

«و من أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه وسعی فی خرابها أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفین لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم»

ترجمه: و کیست ستمکارتر از کسی که مردم را از یاد کردن نام خدا در مساجد او بازداشت و در ویرانی آن ها کوشید؟ آنان حق نداشتند جز با ترس و هراس بدان ها وارد شوند [تا چه رسد که مسلمانان را از ورود به آن ها باز دارند]، برای آنان در دنیا، خواری و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.

در باب شأن نزول این آیه، اقوال مختلفی وجود دارد، ابن عباس و مجاهد گفته اند منظور رومی ها هستند که بیت المقدس را اشغال کردند و در تخریب آن کوشیدند؛ و برخی دیگر گفته اند که مطلب مربوط به بخت النصر است که بیت المقدس را با همکاری مسیحیان تخریب کرد؛ و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که منظور مشرکین قریش می باشند که مانع ورود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان به مکه و مسجد الحرام شدند (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۶۱-۳۶۰).

به هر حال، این آیه شریفه همانند دیگر آیات قرآن کریم اختصاص به مورد معینی ندارد و از حیث حکم عام است، و ظاهر آیه بر تهدید کسانی دلالت دارد که احترام مساجد را حفظ نمی کنند و مانع عبادت در آن ها شده و بر انهدام و تعطیلی شعائر در آن ها اقدام می نمایند. خداوند متعال در این آیه هر



گونه قصد سوء نسبت به مساجد الهی را وعده‌ی ذلت در دنیا و عذاب در آخرت می‌دهد؛ و همان‌طور که برخی مفسرین تصریح کرده‌اند «با تکیه بر ظاهر آیه که منافاتی با عقل ندارد و دلیلی هم مبنی بر انصراف از این ظاهر نیست، وجوب احترام عبادتگاه‌ها و حرمت تعرض و آسیب به آن‌ها و مجازات متعرضین به این اماکن، استفاده می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱: ۱۸۴-۱۸۳).

مؤلف محترم تفسیر نمونه نیز بر عمومیت این حکم و ابدی بودن آن تصریح نموده است که «بدون شک مفهوم آیه‌ی فوق، مفهومی وسیع و گسترده است و به زمان و مکان معینی محدود نمی‌شود، همانند سایر آیاتی که در شرایط خاصی نازل گردیده اما حکم آن در همه قرون و اعصار ثابت است. بنابراین هر کس و هر گروه به نوعی در تخریب مساجد الهی بکوشد و یا مانع از آن شود که نام خدا و عبادت او در آنجا انجام گیرد. مشمول همان رسوایی و همان عذاب عظیم است که در آیه اشاره شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۱۱).

«وسعی فی خرابها» یعنی سعی در خرابی مساجد، که با انهدام و تخریب، یا تعطیل کردن ذکر و عبادت در آن‌ها قابل تحقق است، و می‌تواند حمل بر هر چیزی دلالت کند که در خرابی مساجد دخالت دارد و مرجع تشخیص آن هم عرف است، بنابراین هر آنچه که تخریب محسوب شود حرام است (کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۸۴-۱۸۵).
به هر حال، مفسران زیادی از شیعیان و اهل تسنن در تبیین و شرح دلالت آیات مذکور سخن گفته‌اند، و همگی بر احترام و جایگاه ویژه‌ی مکان‌های عبادت ادیان الهی تأکید داشته‌اند، که نقل تمام اقوال و بیانات آنان ممکن نیست.^۱ در ادامه موضوع را در سنت نبوی و سیره مسلمانان بعد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دنبال می‌کنیم.

۲-۲. سنت نبوی و سیره مسلمانان

آنچه که قرآن کریم در احترام و مصونیت اماکن عبادی ادیان توحیدی بیان کرده است، و هر نوع ممانعت و تعرض به آن‌ها را مشمول عذاب الهی دانسته است، در سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز تبلور یافته است، بلکه «در سیره و سنت هیچ‌یک از پیامبران الهی دیده نمی‌شود که اقدام به تخریب و یا دستور به تخریب اماکن عبادی

۱. برای مطالعه مستندات تفسیری مفسران شیعه و اهل تسنن راجع به آیات مورد بحث و دیگر آیات مربوط به اماکن عبادی، ر.ک. اثر ارزشمند «حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه» از عبدالرضا لطفی، نادر اخگری بناب و محمدرضا فقهی، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، تهران، هستی نما، ۱۳۸۸: ۵۳۰-۵۸۴.





پیروان ادیان آسمانی داده باشند؛ بالطبع اگر چنین بود به دستور پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم پیامبران الهی بوده، همانند بتکده‌ها، باید تمام معابد مربوط به ادیان گذشته ویران می‌شدند. در حالی که تحقیق در سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) نشان می‌دهد که حتی از طرف آن حضرت مصونیت اماکن عبادی یهودیان و مسیحیان و اهل ذمه، در موارد متعدد تضمین و مورد حمایت قرار گرفته است» (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۱۶).

برای نمونه در پیمان‌نامه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با مردم نجران، مقرر شده بود «مردم سرزمین نجران نسبت به اموال و افراد و سرزمین و عقیده‌ای که دارند، و حاضر و غایب‌شان و مراکز عبادی‌شان و هر که در اختیار آنان قرار دارد به چه کم و چه زیاد، در پناه خدا و تعهد پیامبرش خواهد بود»^۱ (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۱۶).

همچنین در این عهدنامه به صراحت امنیت و مصونیت اماکن عبادی مسیحیان اشاره شده است که «هیچ کشیش یا زاهدی از کلیسا یا صومعه‌اش اخراج نخواهد شد و هیچ کشیشی اجباراً از شغل روحانیتش منفصل نخواهد شد. هیچ‌گونه تحمیل و یا تحقیری بر آن‌ها نخواهد شد...» (خدوری، ۱۳۹۱: ۲۲۳).

علاوه بر این، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در غزوه‌ی مته خطاب به مسلمین عازم جهاد فرمود با نام خدا بجنگید و با دشمنان خدا و خودتان در شام پیکار نمایید، و شما در آن‌جا مردانی را خواهید دید که در صومعه‌ها اقامت گزیده‌اند و از مردم کناره گرفته‌اند متعرض آن‌ها نشوید ... سپس می‌فرمایند: «لا تهدمن بناء» که هیچ و بنا و ساختمانی را منهدم نسازید و...^۲ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۰).

۱. برای مشاهده عبارت پیمان‌نامه با مردم نجران در منبع اصلی آن به عربی، ر.ک. بلاذری، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸م: ۷۲.

۲. دکتر مجید خدوری، حقوق‌دان مسیحی عراقی، این جمله را در کتاب «جنگ و صلح در اسلام گفته است؛ این کتاب توسط دانشمند فقید سید غلامرضا سعیدی حدود نیم قرن پیش ترجمه شده و در سال ۱۳۹۱ به کوشش سید هادی خسروشاهی توسط انتشارات کلبه شروق بازنشر شده است.



در این رهنمود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ضمن سفارش به عدم تعرض و حمله به صومعه ها و اماکن عبادت مسیحیان در این مناطق، در یک فرمان کلی نظامیان مسلمان را از انهدام ساختمان و اماکن در جنگ باز می دارد. فقهای مسلمان این حکم کلی را ناظر بر اماکن و ساختمان های غیر نظامی دانسته اند. از جمله علامه حلی (رحمه الله علیه)، چنین منعی را متوجه بناهای غیر نظامی دانسته، در باب بناهای نظامی نیز در صورت عدم ضرورت حکم بر کراهت نموده است (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

با این وصف در سیره پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) منع تخریب و حمله به عبادتگاه های اهل کتاب، هم در قالب ممنوعیت حمله به اماکن غیر نظامی یعنی اصل تفکیک اهداف نظامی و غیر نظامی قابل برداشت است، و هم به صورت خاص در پیمان ها و دستورات آن حضرت، هنگام جنگ آشکار است که برای این اماکن احترام و مصونیت قائل شده است. «ممکن است گفته شود که شاید حزم و احتیاط ایجاب می کرد که [در این زمینه] سیاست صلح جویانه ای اتخاذ شود؛ لکن این حقیقت آشکار است که روح تسامح و اغماض و مدارا نسبت به اهل کتاب جزء لاینفک تعلیمات [حضرت] محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است» (خدوری، ۱۳۹۱: ۲۲۶).

در واقع شیوه ی رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با آزادی مذهبی پیروان ادیان الهی در بقای معابد و مصونیت و احترام رجال مذهبی و دینی آنان، نه یک سیاست موقت و تاکتیکی بوده، بلکه یک راهبرد و سیاست دائمی است. استمرار این رفتار توسط مسلمین در دوره های بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است که منجر به بقای اقلیت های مسیحی و یهودی در سرزمین های اسلامی با معابد و مراکز دینی آنها تاکنون شده است. البته سیره و رفتار مسلمانان فی نفسه حجت نیست لکن از این جهت که مورد مخالفت و انکار ائمه معصومین (علیهم السلام) به ویژه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) قرار نگرفته است، حجت داشته و قاعده ساز است، و از ادله فقه اسلامی در کنار قرآن کریم می باشد.

به هر حال، حدود حمایت از اماکن عبادی از جهات مختلف موضوعی است که باید در پرتو آرای فقهای اسلامی پیگیری شود که در قسمت بعدی به آن اشاره می گردد.





۲-۳. محدوده‌ی حمایت از اماکن عبادی

پس از این که به طور اجمال روشن شد که موضع قرآن کریم و سنت بر احترام و حمایت از اماکن عبادی است، ضرورت دارد که به حدود این حمایت از جهت نوع این اماکن و وضعیت آن‌ها در قبل یا بعد از از جنگ نیز در چارچوب آراء فقهای اسلامی اشاره شود؛ چه اینکه بحث از جنگ و آیین آن، از این جهت که باید و نبایدهای مبتنی بر احکام شریعت در آن مطرح است، در قلمرو دانش فقه قرار دارد و چنانچه مسائل جدیدی در این قلمرو مطرح باشد برعهده‌ی دانش فقه و فقیهان است که در آن خصوص تعیین تکلیف نمایند.

۲-۳-۱. اماکن عبادی ادیان توحیدی موضوع حمایت ویژه

اماکن عبادی مورد حمایت و احترام، منحصر به مکان‌های عبادت پیروان ادیان الهی است، و آیه شریفه مورد بحث در سوره مبارکه حج صرفاً از عبادتگاه‌های مسیحیان، یهود و مسلمانان نام برده است. فقهای اسلام هم در ابواب مختلف فقهی، پیروان ادیان توحیدی غیر مسلمان را به عنوان اهل کتاب نامبرده و احکام ویژه‌ای در باب احوال شخصیه‌ی آنان، آزادی‌های مذهبی و معابد آنان ذکر کرده‌اند. بنابراین هر گونه معابد فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی خارج از اهل کتاب مشمول حمایت ویژه نیستند.

۲-۳-۲. منع تخریب و انهدام اماکن عبادی در جنگ

همان گونه که در شرح آیات قرآن کریم و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیرامون ممنوعیت تخریب و انهدام اماکن عبادی در جنگ بیان شد؛ علاوه بر آنچه که فقهای عظام در کتب فقهی چون فقه‌الجهاد از این موضوع سخن گفته‌اند؛ فقهای معاصر نیز در پاسخ به پرسش راجع به جواز حمله به اماکن عبادی در زمان جنگ، به سیره رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ‌ها اشاره و در قالب حکم شرعی فتوا داده‌اند که در ادامه به یک مورد استفتاء و پاسخ آن اشاره می‌شود. سؤالی بدین شرح مطرح شده که «آیا اماکن عبادی در بلاد کفر از جمله کلیسا، کنیسه و مسجد بدون ضرورت نظامی و بدون اینکه برای هدف نظامی استفاده شوند، در جریان جنگ می‌تواند هدف حمله نظامی قرار گیرد؟» در پاسخ به این استفتاء فقهاء و مراجع عظام همگی بر عدم





جواز این نوع حمله تصریح کرده‌اند.^۱ بخشی از پاسخ آیت الله شیخ جعفر سبحانی یکی از فقها و مراجع تقلید جهت تبیین موضوع ذکر می‌شود:

«جایز نیست، تفصیل این مطلب را در مسائل مربوط به جهاد ملاحظه بفرمایید. ضمناً دستور پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیر مؤمنان (علیه السلام) به مجاهدین می‌تواند کارگشا باشد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) موقعی که گروهی را برای جهاد فرستاد چنین فرمود: به راهب و راهبه‌ها که در صومعه‌ها دور از غوغای اجتماعی زندگی می‌کنند متعرض نشوید، زنان و کودکان و پیران فرتوت را مکشید، هرگز نخل و درختی را نبرید و خانه‌ای را ویران نکنید» (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۹۸). این دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ موته صادر شد و ضمن اشاره به عدم تعرض به محل عبادت راهبان مسیحی، به منع تخریب مطلق بناها و ساختمان‌ها نیز تصریح دارد که شامل اماکن عبادی هم می‌شود.

۲-۳-۳. ضرورت نظامی و فتنه‌گری استثنای حمایت

احترام و مصونیت اماکن عبادی تا جایی است که به عنوان مرکز نظامی و حمله و تجاوز به مسلمانان به کار نروند. آیه شریفه (۱۹۱) سوره مبارکه بقره درباره‌ی مسجد الحرام مورد استناد مفسران و فقیهان در این موضوع قرار گرفته است. مطابق آیه فوق «با مشرکان داخل مسجد الحرام نجنگید تا اینکه آنها نیز در آن با شما نجنگند» و حرمت مسجد نقض نشود [T ولی اگر [در آن جا] با شما جنگیدند شما نیز بجنگید»^۲. همان‌طور که برخی مفسران گفته‌اند، «ولا تقتلوه عند المسجد الحرام حتی یقاتلوه» فیه، استثناء از جواز جنگ در هر مکان است که خداوند مسجد الحرام را به دلیل احترام و تعظیم آن استثناء کرده است.

۱. این استفتاء توسط مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه مطرح و فقهای بسیاری از جمله آیات عظام مکارم شیرازی، بهجت، ملکوتی، منتظری، سبحانی و علوی گرگانی بر عدم جواز هدف قرار دادن اماکن عبادی بدون ضرورت نظامی و بدون این که برای اهداف نظامی استفاده شوند تصریح کرده‌اند. مراجعه شود به: مؤسسه قضا، گنجینه استفتانات قضایی، شماره ۷۳۶۹ و ۷۳۷۰.

۲. «... ولا تقتلوه عند المسجد الحرام حتی یقاتلوه فیه فان قاتلوه فمقتلوه کذا لک جزاء الکافرین».





این استثناء یعنی حرمت مسجد، مشروط بر این است که جنگ را در آن آغاز نکنند و حرمت آن را نشکنند، چه در غیر این حالت مصونیت در آنجا نخواهد بود (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۳۳). مطابق حکم آیه شریفه در باب مسجدالحرام، وقتی جنگ و حمله به متجاوزین و شروع کنندگان جنگ در مسجدالحرام مجاز است، به طریق اولی در سایر مساجد و اماکن عبادی نیز جایز است. در نتیجه، مسجد و دیگر اماکن عبادی که محل نظامی و جنگ شده و پیروزی در جنگ بدون حمله به آن ممکن نمی‌باشد، مصونیتی در آن متصور نخواهد بود.

چنانچه مسجدی به مرکز فتنه و توطئه علیه جامعه اسلامی تبدیل شود مصونیت و احترام مساجدالله را نخواهد داشت. آیه (۱۰۷) سوره توبه درباره‌ی مسجد ضرار، مبنای این استثناء است. در این آیه، هدف از ساخت مسجد ضرار، زیان به مسلمانان، محکومیت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه و مرکز توطئه برای دشمنان خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ذکر شده است؛ و بر این اساس، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) طبق فرمان الهی، این مسجد را تخریب و ریشه‌ی فتنه را از بین برد. این حکم برای هر مسجد و مرکز عبادتی جاری بوده و حاکم واجد شرایط اسلامی، مرجع تشخیص و اعمال آن خواهد بود.

۲-۳-۴. بقای اماکن عبادی ساخته شده قبل از جنگ

در صورتی که هنگام جنگ معابد قدیمی مانند کلیسا وجود داشته و در اثنای جنگ نیز تخریب نشده باشند، طبق نظر مشهور فقهای امامیه بقاء آنها جایز است (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۹۳).

یکی از فقهای معاصر در شرح نظر علامه حلی (رحمه الله علیه) در این خصوص بیان می‌دارد: «قول اقوی این است که ایرادی به آنچه که قبل از فتح وجود داشته و مسلمانان آن را منهدم نکرده‌اند نیست، و این قول مشهور بین فقهای شیعه است زیرا اصل بر این است بعد از اینکه دلیلی بر ضرورت انهدام آن اقامه نشده است که روایت ابن عباس آن را تأیید می‌کند. [روایت این است] که هر مکانی که غیر عرب (غیر مسلمانان) آن را به عنوان شهر آباد و احداث نمایند و خداوند آن را به تسخیر عرب (مسلمانان) در آورد، [آنچه را از ابنیه





و مراکز عبادی. از گذشته وجود داشته به جای خود باقی است]، و آنچه را که مسلمانان به نفع غیر مسلمانان متعهد شده‌اند باید عمل نمایند. و به دلیل اینکه صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز سرزمین‌های زیادی را فتح کردند و چیزی را منهدم نکردند. حتی این عمل صحابه «به عنوان دلیلی بر این حکم ذکر شود (همان‌طور که علامه حلی (ره) ذکر کرده است) نیز نیکو و به جاست نه از جهت حجت عمل صحابه و مسلمین بلکه برای اینکه ائمه (علیهم السلام) به ویژه امیرالمؤمنین (علیه السلام) این رفتار را هیچ وقت رد نکردند و دلیل و روایتی نیز بر آن وارد نشده است، و بر همین اساس استدلال علامه حلی (ره) مبنی بر اجماع در این مورد صحیح است برای آنچه که از این اماکن در سرزمین‌های اسلامی بدون هیچ [مخالفت] و انکارکننده‌ای مشاهده می‌کنیم (روحانی، ۱۴۱۳: ۷۴).

۲-۳-۵. وضعیت اماکن عبادی در حالت غیر جنگی و انعقاد پیمان صلح

در این حالت، سرزمین غیر اسلامی، نه از طریق جنگ، بلکه با پیمان صلح به دست مسلمانان می‌افتد. چنانچه طبق قرارداد صلح سرزمین مورد اشاره متعلق به غیر مسلمانان باشد، در این حالت تخریب مراکز عبادی غیر مسلمانان جایز نیست و حتی می‌توانند اقدام به احداث و تجدید بنای معابد جدید نمایند.

اگر طبق قرارداد، سرزمین مورد بحث، تحت سیطره‌ی دولت اسلامی است و احکام اسلامی در آن جاری می‌شود و غیر مسلمانان در قالب پیمان ذمه تعامل می‌کنند، پیش‌بینی بقاء یا احداث عبادتگاه‌ها تابع قرارداد است، از ظاهر کلام برخی فقها به دست می‌آید که بقای این مراکز با صلاح‌دید حاکم اسلامی جایز است (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۹۶).

امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز در تحریرالوسیله فرموده‌اند که چنانچه سرزمینی بدون جنگ فتح شود و بر تعلق به اهل ذمه مصالحه گردد، بقای معابدی که از قبل بوده و مسلمین آن را منهدم نکرده‌اند برای آن‌ها مجاز است (موسوی خمینی، بی تا: ۵۰۴).

نتیجه‌گیری

رویکرد اسلامی حمایت از اماکن عبادی، مبتنی بر قرآن کریم و سنت، بر یک بنیاد اعتقادی و معنوی استوار است که مسلمانان را به احترام و تسامح نسبت به اماکن عبادی





ادیان توحیدی دعوت نموده است. ثمره‌ی کارآمدی این رویکرد، استمرار حیات اقلیت‌های مذهبی و بقای عبادتگاه‌های آنان در سرزمین‌های اسلامی بوده است. بنابراین، احکام جزئی در این خصوص را باید در چهارچوب این رویکرد کلی شریعت اسلامی بررسی نمود. از سوی دیگر، در نتیجه‌ی جنگ‌های جهانی اول و دوم نظام حمایتی حقوق بین‌الملل از اموال فرهنگی و تاریخی، که اماکن عبادی جزئی از آن است، شکل گرفته است؛ و وقایع رخ داده در سرزمین یوگسلاوی سابق نیز در تکمیل آن مؤثر بوده است. می‌توان گفت این نظام از لحاظ وضع مقررات و قواعد حمایتی در قالب اسناد بین‌المللی و رویه دادگاه‌های کیفری تازه تأسیس نوعی جامعیت دارد.

با این حال برخی ملاحظات در این باره با نگاه تطبیقی وجود دارد که اشاره می‌شود:

۱. در اغلب اسناد بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون اموال فرهنگی به عنوان مهم‌ترین سند مربوط به حمایت از اموال و اماکن فرهنگی، به طور خاص به اماکن عبادی تصریح نشده، ولی از اموال فرهنگی به طور عام حمایت شده است و اماکن عبادی با تأمل و تحلیل، مصداقی از این اموال تلقی می‌شود. در حالی که در قرآن کریم، روایات و متون فقهی مکان‌های عبادت از جمله عبادتگاه‌های غیر مسلمانان صریحاً نام برده شده و مشمول حمایت هستند.

۲. شرط حمایت از مکان‌های عبادت مندرج در اسناد حقوق بین‌الملل، داشتن اهمیت بالا در وابستگی به میراث بشری ملت‌ها ذکر شده است. بدین معنی که حمایت از اماکن عبادی در صورتی است که اهمیت زیادی از جهت میراث فرهنگی ملت‌ها داشته باشد، و گرنه، هر مسجد یا کلیسا یا کنیسه‌ای را شامل نمی‌شود.

منشأ این امر نیز در توجه، اهمیت و اعتبار ویژه به آثار تاریخی و هنری دانستن و نادیده گرفتن وزن و جایگاه میراث مذهبی است؛ در حالی که حوادث و جنگ‌های داخلی در سال‌های اخیر نشان داد که نه تنها این موضوع کم اهمیت نیست، بلکه می‌تواند منشأ خیلی از مخاصمات مسلحانه و عامل تشدید آن باشد و لذا ضرورت چاره‌اندیشی و وضع مقررات بین‌المللی صریحی احساس می‌شود.

۳. هرگونه حمایت ویژه و اعتبار مصونیت اماکن عبادی در منابع فقه اسلامی منحصر به اماکن عبادی ادیان توحیدی است که در قرآن کریم هم نام برده شده است و تحت عنوان «اهل کتاب» از پیروان این ادیان یاد می‌شود. مبنای این امر به حاکمیت اصل توحید در جامعه اسلامی برای مصالح





ابدی بشر بر می گردد، و این که به رغم جهانی بودن و خاتمیت رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، پیروان سایر ادیان توحیدی در آزادی مذهبی و عبادتگاه‌ها از احترام برخوردار هستند. بنابراین، هر گونه فعالیت جمعی و حقوق جمعی در داشتن عبادتگاه و آزادی مذهبی برای فرقه‌ها و دستجات خارج از این چارچوب مجاز نیست.

۴. دستورات قرآن کریم و سنت در باب احترام مساجد و اماکن عبادت ادیان الهی، صبغی دینی، معنوی و پابندی درونی به این حکم داده است، به گونه‌ای که مسلمانان از باب یک وظیفه‌ی اسلامی آن را رعایت نموده‌اند و رفتار مسلمین و حاکمان کشورهای اسلامی با وجود همه‌ی ضعف‌ها و یا اختلاف نظرهای داخلی در این مسأله مثبت ارزیابی می‌شود؛ شاهد این ادعا، استمرار حیات و بقای عبادتگاه‌های اقلیت‌های دینی در سرزمین‌های اسلام‌دور طی قرن‌ها و زندگی مسالمت‌آمیز توأم با آزادی مذهبی آنان است.

۵. آنچه که امروز در برخی کشورهای اسلامی از تخریب اماکن عبادی و تاریخی مسلمانان و غیر مسلمانان به دست عده‌ای از گروه‌های مدعی اسلام رخ می‌دهد، مورد انکار، تقبیح و رد تمامی رهبران مذهبی و دینی جهان اسلام و قاطبه‌ی مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن است، و عامل تشدید آن، حمایت‌های مختلف مالی و رسانه‌ای و حتی نظامی طرف‌های شناخته شده‌ی جهانی از این جریان است.

۶. فراتر از احکام اولیه‌ی فقه اسلامی راجع به اماکن عبادی، ظرفیت بالا و مؤثر «اختیارات حاکم اسلامی» برای اتخاذ تصمیم و صدور فرامین از باب مصلحت و ضرورت و حل مشکلات جامعه از این طریق است. در این چارچوب دولت اسلامی می‌تواند، مطابق مصالح جامعه اسلامی، مقررات و تدابیر مناسب برای تأمین زندگی مسالمت‌آمیز میان پیروان ادیان الهی و آزادی‌های مذهبی و نیز اماکن عبادی آنان وضع نماید، کاری که دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و با تأیید مقام رهبری در موارد متعدد نسبت به حقوق پیروان ادیان الهی در ایران انجام داده است.

۷. همان‌طور که در مباحث گذشته مطرح شد قرارداد و توافق دولت اسلامی می‌تواند منشأ حقوق و تکالیف باشد و چنانچه تعهدی را به نفع اشخاص پذیرد لازم‌الاجرا است.

معاهدات بین‌المللی ناظر بر حمایت از اموال فرهنگی، از جمله اماکن عبادی، اسناد لازم‌الاجرائی هستند که پذیرش آن‌ها از سوی کشورهای اسلامی می‌تواند زمینه‌ی نظارت بیشتر بر تحقق حمایت و





مصونیت این اموال در سرزمین های اسلامی را فراهم سازد، و هرگونه خلأ قانونی را در مسائل مستحدثه‌ی روز را جبران نماید.

منابع

قرآن کریم

۱. خدوری، مجید، ۱۳۹۱ش، جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه: غلامرضا سعیدی، قم، کلبه شروق، چ ۱.
۲. سیاه‌رستمی، هاجر و دیگران، ۱۳۹۰ش، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، تهران، مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال احمر ایران.
۳. ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۱ش، حمایت از اموال فرهنگی در درگیری‌های مسلحانه در مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل، تهران، شهر دانش، چ ۱.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴ش، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۲.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تحقیق: رضا ستوده، تهران، فراهانی.
۶. عظیمی‌شوشتری، عباسعلی و دیگران، ۱۳۹۳ش، جنگ و صلح در اسلام، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، چ ۱.
۷. فرانکیونی، فرانچسکو، ۱۳۸۸ش، فراسوی معاهدات، پایداری حقوق عرفی جدیدی در حمایت از میراث فرهنگی، ترجمه: علیرضا ابراهیم گل و همکاران، مجله حقوقی بین‌الملل، ش ۴۰.
۸. فلک، دیتر، ۱۳۸۷ش، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه: سید قاسم زمانی و دیگران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ ۱.
۹. فیرحی، داوود، ۱۳۸۶ش، مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی، فصلنامه سیاست دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۱.





۱۰. قاسمی، غلامعلی، سجاد باقرزاده، ۱۳۹۲ش، حقوق بشردوستانه و حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، ش ۱۳۰.
۱۱. لطفی، عبدالرضا، نادر اخگری بناب، محمدرضا فقهی، ۱۳۸۹ش، حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه، تهران، هستی نما، چ ۱، ج ۲.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱ و ۱۴.
۱۳. ممتاز، جمشید، امیر حسین رنجریان، ۱۳۸۴ش، حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران، میزان، چ ۱.
۱۴. نژندی منش، هیبت الله، ۱۳۹۱ش، حمایت از اموال فرهنگی در رویه دادگاه بین الملل کیفری یوگسلاوی سابق در مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین الملل، تهران، شهر دانش، چ ۱.
۱۵. وری، پیترو، ۱۳۹۱ش، فرهنگ حقوق بین الملل بشردوستانه، ترجمه: سیامک کرمزاده و کنایون حسین نژاد، تهران، چ ۲.
۱۶. هنکرتز، ژان ماری، لوئیس دوسوالدبک، ۱۳۸۷ش، حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه: دفتر امور بین الملل قوه قضائیه و کمیته بین المللی صلیب سرخ، تهران، مجد، چ ۱.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۲۰ق، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، تحقیق: ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱.
۱۸. روحانی، سید محمد صادق، ۱۴۱۳ق، فقه الصادق علیه السلام، قم، مؤسسه دارالکتاب، چ ۳.
۱۹. کاظمی، جواد بن سعید، ۱۳۶۵ش، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ ۲، ج ۱.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۲۱.
۲۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۶.
۲۲. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵ و ۵۱.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه دارالعلم.



۲۴. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه

اهل البيت عليهم السلام.

25. International Committee of the Red Cross, Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949, Geneva 1987.
26. Gao, Sheng, (2008), International Protection of cultural Property: Some Preliminary Issues and the Role of International Conventions, Singapor Year Book of International Law and Contributors.
27. The Prosecutor V. DuskoTadic (Indictment), No. It – 94 – 1, Count 1 (ICTY 1999).
28. The Prosecutor V.Tadic, Case, No 160 Icty Appeals Chamber, Oct, 2, 1995.
29. Hague convention for the Protection of cultural property in the event of armed conflict of 14 may 1954.



صلوات پرورش
نیکی حقوق اسلام و غرب

